

آیا ایرانیان وارد عرصه جهان مدرن شده اند؟

مدرنیته یکی از مفاهیم مهم در فلسفه، جامعه‌شناسی، تاریخ و مطالعات فرهنگی است؛ مفهومی که برای توضیح بخشی از تحولات عمیق جهان جدید به کار می‌رود... مدرنیته فقط به معنای جدید بودن یا استفاده از فناوری‌های تازه نیست. این مفهوم به مجموعه‌ای گسترده از تحولات تاریخی و اجتماعی اشاره دارد که در آن شیوه‌های سنتی زندگی دگرگون شده و علم، عقلانیت، فردگرایی، شهرنشینی، فناوری، تخصص و نهادهای جدید اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند.

به گزارش خبرآنلاین، با این حال، مدرنیته فقط به داشتن فناوری‌های جدید، زندگی در شهر یا استفاده از اینترنت محدود نمی‌شود. وقتی از مدرنیته سخن می‌گوییم، در واقع درباره مجموعه‌ای از تغییرات در شیوه زندگی، نهادهای اجتماعی، رابطه انسان با سنت، مفهوم فرد، دانش، اقتصاد و نگاه انسان به آینده صحبت می‌کنیم. در نظریه اجتماعی، مدرنیته معمولاً برای توصیف جوامعی به کار می‌رود که نهادها و شیوه‌های زندگی مدرن در آن‌ها شکل گرفته‌اند؛ هرچند درباره زمان آغاز، ویژگی‌های دقیق و حتی معنای این واژه میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد.

مدرنیته در ایران چگونه مطرح شد؟
مدرنیته در ایران داستانی پیچیده دارد و نمی‌توان آن را فقط به «غربی‌شدن» خلاصه کرد. ضمن این که باید تأکید کرد هنوز فرآیندهای مدرنیته در ایران به

سرانجام روشنی نرسیده‌اند. روشنفکران و جریان‌های فکری ایرانی در دوره‌های مختلف درباره علم، دولت مدرن، آموزش، قانون، هویت، دین و نسبت ایران با جهان جدید بحث کرده‌اند. شکل‌گیری مدرنیته در ایران تحت تأثیر جریان‌های فکری و تاریخی گوناگون بوده است؛ از ارتباط با اروپا، روسیه و عثمانی گرفته تا مشروطه‌خواهی، ناسیونالیسم، مارکسیسم و اندیشه‌های دینی. به همین دلیل، تاریخ مدرنیته در ایران مسیری چندلایه و غیرخطی داشته است. نمی‌توان برای ایران نسخه‌ای ساده مانند «ترک کامل سنت و تقلید از غرب» ارائه کرد. جامعه ایران تجربه‌ای خاص از مواجهه با آموزش نوین، دولت متمرکز، قانون، صنعت، شهرنشینی، فناوری و تغییرات فرهنگی داشته است.

مدرنیته را در زندگی روزمره کجا می‌بینیم؟

برای دیدن مدرنیته لازم نیست فقط به کتاب‌های فلسفه مراجعه کنیم. مدرنیته در بسیاری از رفتارها و نهادهای روزمره حضور دارد. برای مثال: وقتی فرد می‌تواند شغل خود را مستقل از حرفه خانوادگی انتخاب کند؛ وقتی آموزش رسمی و تخصصی بخش بزرگی از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد؛ وقتی بانک، بیمارستان، دانشگاه یا اداره بر اساس قوانین و تقسیم وظایف تخصصی فعالیت می‌کنند؛ وقتی افراد

مدرنیته اغلب با ایده پیشرفت همراه است؛ یعنی این تصور که علم، فناوری و سازمان‌دهی عقلانی می‌توانند زندگی

برای آینده خود برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی دارند؛ وقتی زندگی اجتماعی به فناوری، شبکه‌های ارتباطی جهانی



انسان را بهتر کنند. اما تجربه تاریخی نشان داده است که پیشرفت در یک حوزه، الزاماً به معنای بهتر شدن همه جنبه‌های زندگی نیست. ممکن است فناوری ارتباطی توسعه پیدا کند، اما تهایی اجتماعی نیز افزایش یابد. ممکن است تولید صنعتی بیشتر شود، اما بحران زیست‌محیطی شکل بگیرد. ممکن است انتخاب‌های فردی افزایش پیدا کند، اما فشار اقتصادی و

و اطلاعات دیجیتال وابسته می‌شود؛ وقتی هویت فرد فقط بر اساس خانواده، محل تولد یا طبقه اجتماعی تعیین نمی‌شود. در واقع، مدرنیته فقط در ساختمان‌های جدید یا ابزارهای پیشرفته دیده نمی‌شود؛ بلکه در شیوه فکرکردن، کارکردن، ارتباط گرفتن و انتخاب کردن ما نیز حضور دارد. آیا مدرنیته به معنای پیشرفت همیشگی است؟

نامی شامل نیز بیشتر شود. بنابراین، مدرنیته پدیده‌ای دوجبهی است و باید فرصت‌ها و هزینه‌های آن را هم‌زمان بررسی کرد.

جمع‌بندی؛ مدرنیته یعنی چه؟
مدرنیته فقط به معنای جدید بودن یا استفاده از فناوری‌های تازه نیست. این مفهوم به مجموعه‌ای گسترده از تحولات تاریخی و اجتماعی اشاره دارد که در آن شیوه‌های سنتی زندگی دگرگون شده و علم، عقلانیت، فردگرایی، شهرنشینی، فناوری، تخصص و نهادهای جدید اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. برای فهم بهتر مدرنیته باید سه مفهوم را از یکدیگر جدا کنیم:

مدرنیته: وضعیت و تجربه اجتماعی جهان مدرن؛
مدرنیزاسیون: فرایند نوسازی و تغییر ساختارهای اجتماعی؛

مدرنیسم: مجموعه‌ای از جریان‌های فکری و فرهنگی مدرن، به‌ویژه در هنر و ادبیات. مدرنیته از یک سو با علم، آموزش، تخصص، فناوری و فرصت‌های تازه برای انتخاب فردی همراه شده و از سوی دیگر، پرسش‌هایی درباره بوروکراسی، مصرف‌گرایی، بی‌ثباتی، ریسک‌های فناوری و رابطه انسان با سنت ایجاد کرده است. شاید بهترین راه برای فهم مدرنیته این باشد که آن را نه یک مرحله تمام‌شده، بلکه فرایندی بدانیم که همچنان در حال تغییر است؛ فرایندی که در هر جامعه، شکل تاریخی و فرهنگی خاص خود را پیدا می‌کند.

دین و اندیشه

چگونه دکتر مصدق انگلیس را در شورای امنیت شکست داد؟

با توجه به عدم پذیرش حکم موقت دیوان توسط ایران، دولت انگلیس در سپتامبر ۱۹۵۱ به شورای امنیت رجوع کرد و خواستار اجرای حکم موقت دیوان توسط ایران شد. مستند انگلیس ماده (۲) ۹۴ منشور ملل متحد بود. در این بند



گفته شده که «اگر یک طرف دعوا به تعهدات خود ذیل حکم صادره از سوی دیوان عمل نکند، طرف دیگر می‌تواند موضوع را به شورای امنیت ببرد. شورا در صورتی که ضروری بداند، می‌تواند نسبت به ارائه توصیه یا اتخاذ تصمیم برای اجرای حکم اقدام کند.» در این رابطه، انگلیس در اکتبر پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در دستور کار شورای امنیت قرار داد.

دکتر مصدق تصمیم گرفت که شخصاً در نشست شورای امنیت شرکت کند. در جلسه شورا که پس از کش و قوس‌هایی در ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر ۱۳۳۱) تشکیل شد، سفیر انگلیس در ابتدای نشست و قبل از سخنرانی دکتر مصدق پیش‌نویس قطعنامه

به مناسبت هفتادوپنجمین سالروز حضور دکتر محمد مصدق در شورای امنیت سازمان ملل، کوروش احمدی، دیپلمات پیشین و پژوهشگر تاریخ، در یادداشتی به بازخوانی اسناد این پرونده پرداخته و نشان می‌دهد چگونه دولت مصدق با استراتژی حقوقی و سیاسی درست، توانست بریتانیا را در شورای امنیت شکست دهد.

پس از آن که دولت انگلیس در ۴ خرداد ۱۳۳۰ (۲۶ می ۱۹۵۱) به نمایندگی از طرف کمپانی نفت انگلیس و ایران (کمپانی از این پس) اقدام به طرح شکایتی علیه ایران در ارتباط با ملی شدن صنعت نفت در دیوان بین‌المللی دادگستری کرد و نتیجه دلخواه را از شکایت خود نگرفت، به فکر بردن موضوع به شورای امنیت سازمان ملل افتاد. دیوان به درخواست انگلیس و برغم اعتراض ایران، در ۵ ژوئیه اقدام به صدور «تدابیر موقت» کرد و طی آن از طرفین خواست «دست به اقدامی که مخل حقوق طرف دیگر یا موجب وخامت یا گسترش اختلاف بشود»، نزنند و عملیات کمپانی «تحت نظر مدیریت آن ادامه یابد.» دیوان در این حکم موقت وارد بحث صلاحیت خود نشد و تأکید کرد که صدور تدابیر موقت «به هیچ عنوان به معنی قضاوت پیشینی در مورد صلاحیت دیوان برای پرداختن به موضوع دعوا نیست و تأثیری بر حق خواننده برای ارائه استدلال‌های خود علیه صلاحیت دیوان ندارد.»

واکنش دولت مصدق به حکم موقت دیوان این بود که ضمن ادامه اعتراض به صلاحیت دیوان، نسبت به صدور حکم موقت و اتخاذ سریع تصمیم در این مورد بدون شرکت ایران در نشست مربوطه نیز اعتراض کرد و از اجرای تدابیر موقت و توقف اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت خودداری کرد.

انگلیس و خواست اصلی آن یعنی «دعوت از ایران برای اجرای تدابیر موقت دیوان و احترام کامل به آن» را معرفی کرد. بعد از سخنان سفیر انگلیس، مصدق سخنانش را با تأکید بر دو نکته شروع کرد: نخست این که شورای امنیت صلاحیت پرداختن به شکایت انگلیس را ندارد و دوم این که «شورای امنیت به عنوان عالی‌ترین نهاد نظام بین‌الملل که مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، آخرین پناه ملت‌های ضعیف و تحت ستم و آخرین قهرمان حفظ حقوق آن‌ها است.»

وی سپس توضیح داد که مردم ایران یکی از پایین‌ترین استانداردهای زیستی را دارند. برغم چنین شرایطی، کنترل انگلیس بر نفت ایران عملاً موجب شده تا هیچ کمکی از این طریق به بهبود شرایط رفاهی مردم ایران و رشد فنی یا توسعه صنعتی کشور نشود. وی سپس به تکرار موضع ایران دایر بر عدم صلاحیت دیوان برای پرداختن به شکایت انگلیس و بنابراین عدم صلاحیت دیوان برای صدور تدابیر موقت پرداخت.

در ادامه متن که توسط الهیار صالح قرائت شد، به تفصیل به رد صلاحیت شورا برای رسیدگی به موضوع پرداخته شد. صالح تصریح کرد که نفت ایران نیز مانند خاک، آب و کوه‌های ایران بخشی از دارایی ملت ایران است و ملت ایران تصمیم‌گیری در مورد دارایی‌های خود را برعهده هیچ فرد یا نهاد غیرایرانی قرار نخواهد داد.

در پی سخنرانی مصدق و صالح که نزدیک به دو ساعت به طول انجامید، جلسه شورا تعلیق شد و ادامه مذاکرات همه‌روزه تا ۱۹ اکتبر ادامه یافت. در این نشست‌ها، نمایندگان هند و یوگوسلاوی اصلاحیه‌ای را به پیش‌نویس انگلیس پیشنهاد کردند که هدف آن حذف اشاره به حکم موقت دیوان بود. نماینده آمریکا ضمن موافقت با

اصلاحیه هند و یوگوسلاوی، خواستار آن شد که در متن به «اختلاف بین ایران و انگلیس» به عنوان یک واقعیت که شورای امنیت نمی‌تواند نگران آن نباشد، اشاره شود. انگلیس این اصلاحیه آمریکا را پذیرفت و پیش‌نویس جدیدی ارائه کرد. با این که اکتبر قطعی شد که آرای کافی برای تصویب آن نیز وجود ندارد. این تصمیم در حکم رد شکایت انگلیس و یک پیروزی بزرگ برای ایران بود.

دیوان نهایتاً در ۳۱ تیر ۱۳۳۱ حکم خود را دایر برعدم صلاحیت خود برای پرداختن به دعوی مطروحه از سوی انگلیس علیه ایران اعلام کرد. در این حکم استدلال شد که در ارتباط با ایران، دیوان تنها در چارچوب اعلامیه ایران به تاریخ سپتامبر ۱۹۳۲ مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری PCIJ، ذیل ماده (۲) ۳۶ اساسنامه دیوان دارای صلاحیت است و این اعلامیه ایران شامل اختلافات مربوط به اجرای پیمان‌ها یا کنوانسیون‌ها با دیگر دولت‌ها است که ایران بعد از تاریخ انتشار اعلامیه، آن‌ها را تصویب کرده باشد. دیوان همچنین ادعای انگلیس مبنی بر این که قرارداد نفتی ۱۹۳۳ بین ایران و کمپانی دارای «یک خصلت دوگانه» است، به این معنی که هم یک پیمانی با دولت انگلیس است، را رد کرد و تأکید کرد که قرارداد ایران با شرکت انگلیسی یک قرارداد خصوصی بود و بنابراین در چارچوب صلاحیت‌های پذیرفته‌شده از جانب ایران در چارچوب اعلامیه ۱۹۳۲ قرار نمی‌گیرد. دیوان همچنین استدلال انگلیس در ارتباط با تسری پذیرش صلاحیت دیوان توسط ایران در رابطه با پیمان‌های دوستی بین ایران و دانمارک، سوئیس و ترکیه به قرارداد ۱۹۳۳ را رد کرد.